



در نبود آرد، توزیع نان در هرات متوقف شد



با گذشت بیش تر از یک هفته از آغاز روند توزیع نان خشک به نیازمندان در هرات، این روند روز دوشنبه، بیست و دوم ثور، متوقف شد. شهرداری هرات می پذیرد که علت توقف توزیع نان، نبود آرد و پرداخت نشدن پول شرکت قراردادی توزیع آرد، از سوی حکومت است. مسوول شرکت توزیع آرد می گوید از ۱۰ روز به این سو، حکومت هیچ پولی به شرکت نپرداخته، در حالی که بر اساس تفاهمی که شده، پول باید به گونه‌ی پیش پرداخت، قبل از آغاز روند توزیع نان، داده می شد. اتحادیه‌های «نانوایان و علافان» هرات باور دارند، مشکلات اداری، سبب تأخیر در پرداخت پول و ایجاد سکنه‌گی در توزیع نان و توقف روند شده است. اداره محلی هرات می پذیرد که مشکلاتی در توزیع نان به نیازمندان وجود دارد و برخی شکایت‌ها در پیوند به آن مطرح شده است.

۷



ناپدید بودن ۶۱۰ زندانی؛

حکومت روند رهایی زندانیان طالب را متوقف کرد

۳

رتبه‌های نظامی و معیار ترفیع آن در افغانستان

۳

نگرانی هند از توافق صلح با طالبان

ساختار قدرت در جنوب آسیا با محوریت هند و پاکستان شکل گرفته است؛ دو قدرتی که از بدو بنیان‌گذاری تا حال در تضاد و دشمنی با هم قرار دارند و این رویکرد آنان را چند باری در مقابل هم قرار داده است. نقطه مرکزی این منازعه کشمیر است اختلاف بر سر زمینی که متأثر از نقشه استعماری می‌باشد.

۴



شکست اسف بار رهبری



رهبران موفق کسانی هستند که در بحبوحه بحران‌ها بتوانند هم‌بسته‌گی را با تفهیم منافع ملی مردم به آنان القا کنند. با تاسف که رهبران دو ابرقدرت اقتصادی جهان در عوض شناساندن عمق بحران به مردم، در مسیرهای خلاف گام برداشته‌اند. کمبریج، رهبری - قدرت کمک کردن به مردم جهت دسته‌بندی و به دست آوردن...

۵

جهان پساکرونا



مریضی‌های واگیردار یکی پس از دیگری در مقاطع مختلف زمانی جهان ما را به چالش کشیده و از نظام جهانی ما سخت آزمون می‌گیرند. نتیجه این آزمون‌ها زیر سوال بردن ابعاد مختلف جهانی است. چنانچه آنفلوآنزای سال ۱۹۱۸ موسوم به آنفلوآنزای اسپانیایی که برآورد می‌شود تلفاتش حتی از جنگ جهانی اول بیشتر بود و جان حدود پنجاه میلیون نفر را در سراسر جهان گرفت...

۶

ارگ: طالبان به ادامه‌ی جنگ و افغان‌کشی پافشاری دارند

۸ صبح، کابل: ارگ ریاست جمهوری می‌گوید که گروه طالبان به ادامه‌ی جنگ و افغان‌کشی پافشاری دارند. صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری این مطلب را در واکنش به حمله طالبان به پاسگاه‌های نیروهای امنیتی در ولسوالی علیشنگ ولایت لغمان در برکه‌ی توییت‌ش مطرح کرده است. سخنگوی ریاست جمهوری از جامعه جهانی خواسته است که حمله طالبان در لغمان و ادامه‌ی خشونت این گروه را با شدیدترین الفاظ محکوم کند.

آقای صدیقی هم‌چنان گفته است که گزارش‌ها از حمله طالبان بر نیروهای امنیتی در ولایت لغمان متأثرکننده است. به گفته او، درحالی که کشور به سختی در برابر ویروس همه گیر کرونا مبارزه می‌کند، گروه طالبان با اجرای حمله‌های «دهشت‌افکنانه‌ی شان»، به افزایش خشونت‌ها در ماه مبارک رمضان، ادامه می‌دهد. سخنگوی ریاست جمهوری نوشته است: «حمله‌های اخیر گروه طالبان، بیان‌گر پافشاری این گروه به ادامه‌ی جنگ و افغان‌کشی در افغانستان است. انتظار می‌رود تا جامعه جهانی با شدیدترین الفاظ این حمله و ادامه خشونت‌های طالبان را محکوم کند.»

گروه طالبان شب گذشته به پاسگاه‌های نیروهای امنیتی در لغمان حمله کرده است. وزارت دفاع ملی تلفات نیروهای ارتش را در این حمله شش کشته و پنج زخمی اعلام کرده است. گزارش‌های غیررسمی شمار تلفات نیروهای دولتی را بیش‌تر از این نشان می‌دهد.



وزارت صحت عامه:

کرونا به زودی رفتنی نیست و باید برای «زنده‌گی با کرونا» برنامه‌ریزی کنید



۸ صبح، کابل: وزارت صحت عامه می‌گوید که ویروس کرونا به این زودی رفتنی نیست و باید تمام شهروندان کشور و نهادهای دولتی برای «زنده‌گی با کرونا» برنامه‌ریزی کنند. وحید مجروح، معین عرضه خدمات صحتی وزارت صحت عامه، روز دوشنبه، بیست و دوم ثور، در یک نشست خبری، گفت بررسی‌ها و تحقیقات علمی نشان می‌دهد که ویروس کرونا به این زودی رفتنی نیست و باید برای زنده‌گی با کرونا آماده‌گی داشت.

معین عرضه خدمات صحتی وزارت صحت عامه در این نشست گفت که برای جلوگیری از تأثیرات منفی و اجتماعی ویروس کرونا بر جامعه، باید «زنده‌گی به رغم کرونا» به یک نورم بدل شود. وحید مجروح گفت که باید شرایط محیط تجارت، آموزش و کار پس از این قسمی فراهم شود که با وجود ویروس کرونا همه‌ی این امور ادامه داشته باشد. مجروح از نهادهای آموزشی به صورت مشخص خواست که به صورت آرام‌آرام برای از سرگیری آموزش برنامه‌ریزی کنند و در آن تمام تدابیر صحتی را در محیط آموزش در نظر بگیرند. او اما تأکید که منظور از فراهم کردن شرایط برای کار و آموزش، به هیچ وجه

اعتراض فعالان مدنی هرات در مقابل کنسولگری ایران

۸ صبح، هرات: شماری از فعالان مدنی هرات با حضور در یک تجمع اعتراضی در برابر کنسولگری ایران در این شهر، به رودخانه انداختن کارچویان افغان از سوی نیروهای مرزی ایران را محکوم کردند.

اشتراک‌کننده‌گان این راهپیمایی اعتراضی، از نهادهای بین‌المللی و سازمان ملل متحد می‌خواهند که عاملان رویداد را به کیفر برسانند. آنان با سردادن شعارهایی، کشتار کارچویان افغان در مرز مشترک با ایران را جنایت بشری می‌دانند. آرش بشیریار، از اشتراک‌کننده‌گان این تجمع اعتراضی، در صحبت با روزنامه ۸ صبح از حکومت افغانستان و نهادهای بین‌المللی خواهان تأمین عدالت و کیفر عاملان این رویداد است. شینم سلحشور، یکی دیگر از اشتراک‌کننده‌گان، اقدام نیروهای مرزی ایران در کشتار کارچویان افغان را جنایت بشری دانسته و از حکومت ایران می‌خواهد که در این مورد به حکومت و ملت افغانستان وضاحت بدهد.

پیش از این هیأتی از شورای امنیت ملی افغانستان و مقام‌های ارشد محلی هرات، برای بررسی این رویداد، از محل غرق شدن کارچویان افغان بازدید کرده‌اند. روز یکشنبه حمید طهماسی، رئیس هیأت حکومت افغانستان، در هرات در یک نشست خبری گفت، مدارک و اسناد کافی به دست آمده و نیاز است که رهبری دولت افغانستان در این زمینه ابراز نظر کند. مقام‌های محلی هرات می‌گویند که اسناد و شواهد «کافی و خوب» در پیوند به این رویداد به دست آمده، اما ابراز نظر در مورد چگونگی وقوع آن، مسوولیت رهبری کشور است. با این‌همه، سرکنسولگری ایران در هرات، وزارت خارجه و فرماندهی نیروهای پولیس ایران، دخیل بودن نیروهای مرزی این کشور در کشتار کارچویان افغان را رد کرده‌اند، اما شماری از نهادهای و کشورهای خارجی با نكوش این رویداد بر بررسی همه‌جانبه آن پافشاری دارند.



دست کم ۸ سفارش میک به وزارت معارف در زمینه آموزش و پرورش پیشرفتی نداشته است



مکاتب براساس یک بازنگری سیستماتیک و نظاممند، ارتقای دارالمعلمین به سطح لیسانس، تطبیق سیستم اعتباردهی، تدوین برنامه سوادآموزی برای بزرگسالان، دیجیتالی سازی شهادتنامه صنف دوازدهم، ایجاد یک سیستم معیاری جهت اخذ امتحان تثبیت سوبه، ایجاد سیستم شفاف جهت پاسخ گویی به کارکنان وزارت معارف، نظارت از پروژه های انکشافی و گسترش پرداخت معاشات معلمان از طریق بانک را به گونه ای قسمی تطبیق کرده و پیشرفت قابل ملاحظه ای نداشته است.

با این حال وزارت معارف می گوید که بیش از نیمی از سفارش های کمیته مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری به گونه ای کامل تطبیق شده است. نوبه زهت، سخنگوی وزارت معارف، می گوید که بیش از ۵۰ درصد سفارش ها ۱۰۰ درصد تطبیق و عملی شده و متباقی نیز در حالی عملی شدن است. او تصریح کرد که در تطبیق سایر سفارش ها نیز پیشرفت های قابل ملاحظه ای صورت گرفته است. خانم زهت بیان داشت که در هم آهنگی با کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی در پروسه استخدام شفافیت کامل به وجود آمده و در آینده نزدیک نیز زمینه نظارت جامعه مدنی فراهم می شود.

علاوه بر این سخنگوی وزارت معارف تصریح کرد که در قسمت تجدید و اصلاح نصاب تعلیمی نیز پیشرفت هایی صورت گرفته است. او توضیح داد که این وزارت نصاب را در دو مرحله تجدید و اصلاح می کند. به گفته او چارچوب نصاب تعلیمی جدید آماده شده و در قسمت مفردات نصاب پیشرفت ملموسی صورت گرفته است. خانم زهت افزود که نصاب درسی دوره ابتدایی تکمیل شده و پس از دوره قرنطین روند تطبیق آن در مکاتب آغاز می شود.

همچنان او خاطر نشان کرد که در قسمت الکترونیک سازی شهادتنامه های صنف دوازدهم نیز گام هایی برداشته شده است. او گفت که هم اکنون در پنج ولایت روند توزیع شهادتنامه الکترونیک آغاز شده است. افزون بر این او یادآور شد که اکنون پرداخت معاشات کارمندان این وزارت نیز الکترونیک شده و این وزارت در سال مالی ۱۳۹۹ این طرح را تطبیق می کند. سخنگوی وزارت معارف از سویی هم بیان داشت که یک استراتژی جدید برای مبارزه با فساد ساخته شده که این وزارت را قادر می سازد تا فساد را محو کند.

همچنان میک تصریح کرده است که سفارش های این نهاد در بخش هایی چون مستندسازی مراحل نظارت، راه اندازی جلسات و نشست ها میان مکاتب و اجتماعات محلی، تطبیق تکنولوژی برای رسیدگی به مشکلات غیرحاضران، ایجاد شبکه اصلاحی در هر ولایت جهت هم آهنگ سازی، نظارت و اعمال اصلاحات، مستندسازی مداخله وکلای پارلمان، راه اندازی گفت وگوها با مردم محل و شریک ساختن معلومات مصرف بودجه با مردم از سوی وزارت معارف تطبیق نشده است. میک افزوده است که هرچند وزارت معارف در تطبیق این سفارشات در حدود چهار سال زمان در اختیار داشته، اما به رغم داشتن این فرصت زمانی، در تطبیق سفارش های اصلاحی این نهاد موفق نبوده است.

از سوی دیگر میک خاطر نشان کرده است که وزارت معارف در حدود ۵۷ سفارش این نهاد در بخش های سهیم سازی نهادهای جامعه مدنی و شوراهای محلی در امر نظارت فعال از روند استخدام معلمان، یادداشت برداری از جلسات و نشست های شوراهای مدیریت مکاتب، عقد قرارداد با مردم محل جهت استفاده از نیروهای کار عادی در ساخت و ساز مکاتب، سهیم ساختن اجتماعات محلی در امر نظارت از ساخت مکاتب، بازنگری پالیسی تعلیمات محلی، استفاده از روش استخدام الکترونیک در پروسه استخدام، اعلان بست های خالی وزارت معارف در وبسایت این وزارت، نشر فهرست متقاضیان کار در وبسایت کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی و یاهم در وبسایت وزارت معارف، نشر فهرست کاندیدان و بسات، افزایش مشارکت حضور زنان در اداره نظارت از صلاحیت در سکتور معارف، واگذاری پروژه های ساختمانی به وزارت احیا و انکشاف دهات و واگذاری پروژه های انکشافی در شهرها به وزارت شهرسازی و اراضی به گونه ای کامل از سوی وزارت معارف تطبیق شده است.

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی تصریح کرده است که در حدود ۳۱ سفارش این نهاد به گونه قسمی تطبیق شده است. میک افزوده است که وزارت معارف بعد از مدت چهار سال توانسته است سفارش های این نهاد در بخش های سهیم سازی نهادهای جامعه مدنی در امر نظارت از پروسه استخدام، کاهش حجم نصاب درسی

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری (میک) ششمین گزارشش در مورد آسیب پذیری های فساد اداری در وزارت معارف را به نشر رساند.

براساس این گزارش، کمیته میک بیش از ۱۰۰ سفارش اصلاحی را برای مبارزه با فساد به وزارت معارف پیشنهاد کرده بود که از این میان وزارت معارف توانسته است بیش از ۵۰ درصد این سفارش ها را عملی کند. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد با نشر ششمین گزارشش گفته است که وزارت معارف نتوانسته است سفارش های میک در جهت ارتقای ظرفیت معلم که تاثیرات مستقیم با کیفیت تعلیم و تربیه دارد را به گونه ای کامل عملی کند. کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری با نشر ششمین گزارش اصلاحی خود در رابطه به محو فساد اداری در وزارت معارف گفته است که این نهاد در حدود ۱۱۳ سفارش اصلاحی به وزارت معارف داشته است که از این میان این وزارت توانسته است ۵۷ سفارش را به گونه کامل و ۵۱ سفارش را به گونه قسمی تطبیق کند. این نهاد تصریح می کند که وزارت معارف نتوانسته است در حدود ۲۰ سفارش این نهاد را تطبیق کند.

از آن جمله حدود ۸ سفارش آن در رابطه به ارتقای ظرفیت معلمین است که تاکنون به گونه ای کامل تطبیق نشده است. میک گفته است که تطبیق نشدن سفارش های این کمیته در زمینه ارتقای ظرفیت معلم سبب می شود تا به کیفیت تعلیم و تربیه صدمه وارد شود. این نهاد بیان داشته که وزارت معارف می بایست تاکنون زمینه آموزش آن شمار از معلمان را که تحصیلات نیمه عالی دارند، تا سطح لیسانس فراهم می کرد. میک تأکید کرده است، علی رغم این که بیش از چهار سال از این سفارش ها گذشته، اما وزارت معارف نتوانسته است در این راستا گام های موثر بردارد.

علاوه بر این اداره میک گفته است که این نهاد گسترش دروس های عملی به عنوان برنامه ای معتبر آماده گی تدریس در دارالمعلمین را به وزارت معارف سفارش کرده بود، اما این وزارت با وجود داشتن فرصت، آن را تطبیق نکرده است.



عبدالمحمد حسینی

غنی و عبدالله باید به گروگان گیری پایان دهند

از نهم حوت که دو مراسم همزمان تحلیف در افغانستان برگزار شد، دو ماه و چهار روز می گذرد. یکی از وعده های واضح آقای غنی انتخاب کابینه جدید تا دو هفته بعد از مراسم تحلیف و پایان دادن به فرهنگ سرپرستی بود. رئیس جمهور غنی در آن روز سوگند وفاداری یاد کرد و گفت حکومتش با مردم صادقانه رفتار خواهد کرد. غنی گفت که تنها دو هفته دیگر به کار با کابینه کنونی حکومت وحدت ملی ادامه می دهد. او در آن روز حکومت خود را «حکومتی برآمده از دل قانون اساسی» خواند و از مردم خواست که از این حکومت حمایت کنند.

غنی در آن روز خطاب به مردم گفت که به تقاضای شورای ملی لیبیک می گوید، به فرهنگ سرپرستی پایان می دهد و یک تیم ملی را بدون تعصب و به اساس ظرفیت تشکیل می دهد. اشرف غنی گفت حکومتی که تشکیل می دهد، در انحصار تیم انتخاباتی خودش «دولت ساز» نخواهد بود، بلکه «حکومت ما حکومت کل افغانستان، همه شمول و همه پسند» خواهد بود.

با گذشت دو ماه و چهار روز از وعده ای آقای غنی مبنی بر گذاشتن نقطه پایان به سال ها سرپرستی در اداره های دولتی، دیده می شود که او باز هم در تطبیق وعده هایش ناکام مانده است. در همه ای پنج سال کار حکومت وحدت ملی نیز کابینه افغانستان تکمیل نشد. صحبت های آقای غنی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری به گونه ای برداشت می شد که ظاهراً او از ضعف های حکومت داری اش در سال های گذشته درس گرفته است. عمل کرد حکومت وحدت ملی در همه ای پنج سال گذشته خلاف قانون بود، مجلس نماینده گان در سال ۱۳۸۴ فرمان تقنینی رئیس جمهور در مورد سرپرستی نهادهای امنیتی را رد کرد. در آن زمان آقای غنی، فرمانی صادر کرده بود که بر اساس آن در قانون سرپرستی تغییر بیاید و میعاد سرپرستی در نهادهای امنیتی افزایش یابد. نماینده گان مجلس به این فرمان رای تأیید ندادند. مطابق قانون سرپرستی، سرپرستان اداره های دولتی تنها دو ماه اجازه دارند سرپرست بمانند و فعالیت های شان پس از آن خلاف قانون است. واضح است که توجیه اصلی ارگ مبنی بر معرفی نشدن اعضای کابینه، نرسیدن به توافق سیاسی با آقای عبدالله است. چنین دلیلی توجیه سیاسی دارد اما توجیه قانونی ندارد. موارد زیادی از قانون شکنی ها در افغانستان تا اکنون با ملاحظات سیاسی، موجه پنداشته شده است. حکومت وحدت ملی بر پایه ای ملاحظات سیاسی پایه گذاری شد. مجلس نماینده گان، سال ها از زمان قانونی اش بیش تر کار کرد. دو - سه سال از ختم میعاد کار شوراهای ولایتی گذشته است و ده ها قانون شکنی دیگر، ثبت کارنامه ای حکومت وحدت ملی و حکومت فعلی است. حکومت برای توجیه همه ای این خلاها، بحث ملاحظات سیاسی را پیش کشیده است. در چنین شرایطی، مشخص است که ملاحظات سیاسی، جایش را با قانون عوض می کند. وقتی که در رأس حکومت، قانون دور زده شود، تردیدی نیست که این قانون شکنی به مجموعه های کوچک تر نیز سرایت می کند.

رئیس جمهور غنی و عبدالله عبدالله اجازه ندارند که مردم، حکومت، قانون، مجلس و همه چیز را به گروگان بگیرند. کشور در شرایط دشواری به سر می برد. ویروس کشنده ای کرونا، زندگی را برای مردم، بیش از هر زمان دیگری دشوار ساخته است. پروسه صلح که با سال ها تلاش به این جا رسیده، دوباره وارد وضعیت شکننده ای شده است. یکی از نواقص اساسی که ضربات مهلک و خطرناک بر دموکراسی نیم بند افغانستان زده است، رفتارهای حکومت و تیم های سیاسی بعد از پروسه های انتخاباتی است. به تازه گی خبرهایی نشر شده که گوپا روند رو به جلو رسیدن به یک توافق سیاسی میان محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله متوقف شده و دو طرف بر سر سپردن چند وزارت خانه کلیدی به یکدیگر اختلاف نظر پیدا کرده اند. تهدید بالقوه این است که میعاد عمر حکومت فعلی نیز هم چون حکومت وحدت ملی با سرپرستان سپری شود. سرپرستان به طور معمول از صلاحیت های محدودتری برخوردار اند و از این رو نارسایی های گسترده در ارائه خدمات دولتی به مردم، به میان می آید.

غنی و عبدالله باید به گونه ای واضح به این نکته پی ببرند که گروگان گیری وزارت خانه ها و نهادهای دولتی، کارنامه های سیاسی شان را بیش از هر زمان دیگری خدشه دار می کند. آن ها باید بدانند که دوام این وضعیت مردم را بیش از هر زمان دیگری خسته می سازد. آن ها باید بدانند که تداوم کار با سرپرستان منجر به افزایش مشکلات مردم می شود. انرژی حکومت همین اکنون به جای صرف شدن در مبارزه با بیماری کرونا، فقر ناشی از آن، پروسه صلح و مدیریت جنگ، صرف لابی گیری های سیاسی برای به چنگ آوردن وزارت خانه ها می شود.

چهار نفر در پی چهار انفجار پی هم در کابل زخمی شدند

به گفته او، زخمیان برای درمان به شفاخانه منتقل شده اند.

سخنگوی پولیس کابل گفت که این ماین ها در انبار زباله ها جاسازی شده بود. مسوولیت این انفجارها را فرد و یا گروهی بر عهده نگرفته است. فردوس فرامرز اما گفت که پولیس بررسی هایش را در این مورد آغاز کرده است.

هم زمان تیم های فنی پولیس کابل برای خنثاسازی ماین های کشف نشده به محل رفته اند.



شمول یک کودک زخم برداشته اند.

۸ صبح، کابل: در پی چهار انفجار پی هم در شهر کابل، چهار نفر از جمله یک کودک زخم برداشته اند.

پولیس کابل این انفجارها را ناشی از ماین های جاسازی شده در کنار جاده اعلام کرده است.

فردوس فرامرز، سخنگوی پولیس کابل، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که صبح روز دوشنبه، بیست و دوم ثور، چهار ماین در مربوطات چهارراهی تهیه مسکن از حوزه هفدهم پولیس کابل انفجار کرده که در نتیجه آن چهار تن به

حکومت روند رهایی زندانیان طالب را متوقف کرد



حسین بهار

پس از رهایی یک هزار زندانی طالب از سوی حکومت، شورای امنیت ملی اعلام کرد که با توجه به نبود تناسب لازم در تبادل زندانیان نیروهای امنیتی و طالبان، روند رهایی زندانیان تا زمان رهایی کامل ۲۰۰ زندانی نیروهای امنیتی متوقف شده است. به گفته‌ی مسوولان، از میان ۱۷۱ زندانی که از سوی گروه طالبان آزاد شده‌اند، تنها ۱۰۵ تن آن مربوط نیروهای امنیتی است. این نهاد هم‌چنان می‌گوید که ۶۱۰ زندانی نیروهای امنیتی در این میان ناپدید شده‌اند که با توجه به رد فهرست این زندانیان از سوی طالبان، احتمال دارد این افراد کشته یا فروخته شده باشند. به گفته این شورا، اگر طالبان خلاف اصول جنگی اسیران را ضایع کرده‌اند، حکومت مکلف نیست که مطابق به تفاهم‌نامه امریکا و گروه طالبان عمل کند. گروه طالبان اما می‌گوید که این گروه تا کنون بر اساس تفاهم‌نامه صلح‌شان با امریکا عمل کرده است و در مقابل، حکومت را به ممانعت در روند صلح متهم می‌کند.



امنیتهی مفقود اند که نیاز است گروه طالبان در مورد آن به شهروندان وضاحت دهد. به گفته جاوید فیصل، این افراد اکنون در نزد طالبان نیستند و نیاز است این گروه در مورد احتمال کشته شدن، فروخته شدن و زندانی بودن این افراد وضاحت دهد. وی تصریح کرد که در غیر این صورت، مشخص می‌شود که گروه طالبان با کشتن اسیران، جنایت جنگی مرتکب شده‌اند. سخنگوی شورای امنیت ملی در ادامه هشدار داد که اگر زندانیان مفقودشده از سوی گروه طالبان ضایع شده باشند، حکومت مکلف نیست که در مطابقت با تفاهم‌نامه صلح میان امریکا و طالبان عمل کند.

این شورا از گروه طالبان خواست که همه‌ی زندانیان دولت را آزاد کند و در مقابل، دولت نیز متعهد است که شماری از زندانیان این گروه را متناسب به اصل توافق دو طرف آزاد سازد. آقای فیصل افزود، حکومت تنها افرادی را به عنوان زندانی آزاد شده از سوی طالبان می‌پذیرد که پیش از امضای موافقت‌نامه صلح نزد این گروه زندانی بوده‌اند. وی جنگ طالبان را در برابر مردم و غیرنظامیان دانست و تصریح کرد که این گروه با کشتن افراد بی‌گناه و از بین بردن زیرساخت‌ها به خواست بیگانه‌گان، سبب عقب‌گرد کشور شده است و امیدهای برخاسته از روند صلح را نیز با کندی و چالش روبه‌رو می‌کند. سخنگوی شورای امنیت ملی در ادامه صحبت‌هایش از گروه طالبان خواست که روند رهایی زندانیان نیروهای امنیتی را سرعت ببخشد و با توقف خشونت بر غیرنظامیان و آزادی بی‌قید و شرط زندانیان، زمینه‌ی سرعت‌گرفتن روند صلح را فراهم سازد. جاوید فیصل هشدار داد که در غیر این صورت، گروه طالبان عاملان اصلی ناکامی روند صلح در تاریخ خواهند بود.

بود که مفقود یا کشته شده بودند، اما به باور وی، این گروه مسوولیت پیدا کردن افراد مفقودی را ندارد و تنها روی افرادی تمرکز می‌کند که در زندان‌های آنان به سر می‌برند. به گفته ذبیح‌الله مجاهد، گروه طالبان با رهایی زندانیان نیروهای امنیتی، از آنان اقرار گرفته‌اند و مشخص شده است که همه زندانیان پیش از امضای توافق‌نامه صلح این گروه با امریکا در زندان‌ها به سر می‌برند.

وی افزود که این گروه مطابق به توافق‌نامه صلح با امریکا پیش رفته است، اما به گفته وی، حکومت در این امر عقب مانده است. به گفته سخنگوی گروه طالبان، حکومت هنوز شرایط آغاز مذاکرات بین‌الافغانی، از جمله رهایی پنج هزار زندانی این گروه را تکمیل نکرده است. هم‌زمان با این، سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر با نشر رشته توییت‌هایی از رهایی ۵۳ تن از زندانیان نیروهای امنیتی از زندان‌های این گروه خبر می‌دهد. در این توییت‌ها آمده که این زندانیان امروز و روز گذشته در ولایت‌های فاریاب و بادغیس آزاد شده‌اند. به گفته گروه طالبان، با رهایی این شمار از زندانیان، آمار زندانیان آزاد شده نیروهای امنیتی از سوی این گروه به ۲۳۰ نفر رسیده است.

حکومت در حالی از توقف روند رهایی زندانیان طالب از زندان‌های حکومتی خبر می‌دهد که به میزان حملات گروه طالبان در روزهای اخیر افزوده شده است. پیش‌تر، نماینده‌گان شماری از کشورها و نهادهای خارجی ضمن تاکید بر کاهش خشونت از سوی طالبان، خواستار تسریع روند تبادل زندانیان دو طرف و زمینه‌سازی برای آغاز مذاکرات بین‌الافغانی شده بودند. هر چند حکومت و سازمان‌های بین‌المللی بارها از گروه طالبان خواستند که طرح آتش‌بس را بپذیرد و روند تبادل زندانیان با حکومت را سرعت بخشد، اما این گروه کل پیشنهادها را رد و حکومت و ایالات متحده امریکا را به نقض مواد تفاهم‌نامه قطر و تاخیر در روند رهایی زندانیان طالب متهم کرد.

روند رهایی زندانیان دو طرف در بیستم حمل سال روان آغاز شد که در اولین دور، حکومت ۱۰۰ زندانی گروه طالبان را متناسب به شرایط میزان حبس، وضعیت صحتی و کپولت سن از زندان‌های دولت آزاد کرد. هر چند روند رهایی افراد گروه طالبان برای سه بار ادامه یافت، اما این گروه تصریح کرد که زندانیان، خلاف فهرست آنان از زندان‌های حکومت آزاد شده‌اند. با این حال، گروه طالبان چهار روز پس از آغاز این روند و با رهایی ۳۰۰ زندانی‌شان از سوی حکومت، ۲۰ زندانی نیروهای امنیتی را از بند آزاد کرد. گفتنی است که طالبان پس از امضای تفاهم‌نامه صلح با امریکا در قطر، خواستار رهایی پنج هزار زندانی‌شان در جریان ۱۰ روز پس از امضای تفاهم‌نامه شده بودند، اما حکومت با این خواست گروه طالبان مخالفت کرد و تصریح کرد که یک هزار ۵۰۰ زندانی این گروه را پیش از مذاکرات بین‌الافغانی و سه هزار و ۵۰۰ زندانی دیگر را در جریان این مذاکرات آزاد می‌کند.

طالبان اراده صلح را نداشته و به جنگش ادامه داده است. به گفته سخنگوی این شورای امنیت ملی کشور، طالبان رابطه‌ی فعال‌شان با سایر گروه‌های تروریستی در منطقه و جهان را ادامه داده‌اند که به باور وی، یکی از چالش‌های جدی فرا راه پیش‌رفت روند صلح خوانده می‌شود. به گفته‌ی این مقام حکومتی، نیاز است طالبان در سطح منطقه و جهان با گروه‌های تروریستی، از جمله القاعده، داعش و لشکر طیبه که در پاکستان حضور دارند، ارتباط‌شان را قطع کنند تا حکومت اطمینان یابد که این گروه در آینده برای حضور گروه‌های تروریستی در کشور کمک و زمینه‌سازی نمی‌کند.

به گفته سخنگوی شورای امنیت ملی، تطبیق تفاهم‌نامه قطر به دوش امریکا و گروه طالبان است و امریکا به عنوان شریک استراتژیک دولت افغانستان که مسوولیت محو تروریسم از کشور و برقراری صلح را به دوش دارد، باید گروه طالبان را به مسوولیتش متوجه سازد. به گفته جاوید فیصل، حکومت به دلیل آزاد نشدن زندانیان نیروهای امنیتی و کاهش نیافتن خشونت‌ها از سوی گروه طالبان، هنوز موفق به تعیین زمان مذاکرات رو در رو با این گروه نشده است.

گروه طالبان اما ضمن رد موقف‌گیری‌های شورای امنیت ملی، حکومت را مانع اصلی فرا راه صلح می‌خواند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح گفت که حکومت با تبادل زندانیان در حضور تیم‌های فنی دو طرف مخالفت کرد و این موضوع سبب شده است که روند رهایی زندانیان به شکل بهتری به پیش برده نشود. وی افزود که گروه طالبان روند رهایی زندانیان نیروهای امنیتی را سرعت بخشیده و هنوز ۲۳۰ تن از زندانیان را آزاد ساخته است. به گفته سخنگوی گروه طالبان، حکومت، فهرست افرادی را به آنان سپرده

رتبه‌های نظامی و معیار ترفیع آن در افغانستان

هارون اباسین ستانکزئی

در افغانستان رتبه‌های نظامی به صورت عموم به سه بخش عمده تقسیم شده است که عبارت افسران، بریدملان و ساتنمنان می‌باشد.

۱- افسران
مطابق قانون امور ذاتی افسران، بریدملان و ساتنمنان، افسران در سه ردیف و ده رتبه از بالا و پایین به ترتیب ذیل تصنیف شده‌اند:

ردیف اول: افسران عالی‌رتبه شامل رتبه‌های ذیل می‌شود:

- ۱- سترجنرال یا سترپاسوال
- ۲- دگرجنرال یا لوی پاسوال
- ۳- تورن جنرال یا پاسوال
- ۴- برید جنرال یا مل پاسوال

ردیف دوم: افسران بلندرتبه شامل رتبه‌های ذیل می‌شود:

- ۱- دگروال یا سمونوال
- ۲- دگرمن یا سمونمل
- ۳- جگرمن یا سمونیار

ردیف سوم: افسران جوان‌رتبه شامل رتبه‌های ذیل می‌شود:

- ۱- تورن یا سارمن
- ۲- لومری بریدمن یا لومری سارن
- ۳- دوهم بریدمن یا دوهم سارن
- ۲- بریدملان

بریدملان در دو ردیف و پنج رتبه از بالا به پایین به ترتیب

ذیل تصنیف شده‌اند:

ردیف اول: بریدملان بلندرتبه شامل رتبه ذیل می‌شوند:

- ۱- سوپر کمشر قدمدار
- ۲- معاون سوپر کمشر قدمدار
- ۳- سوپر کمشر

ردیف دوم: بریدملان پایین‌رتبه شامل رتبه ذیل می‌شود:

- ۱- سوپر کمشر
- ۲- پر کمشر
- ۳- ساتنمنان

ساتنمنان در یک ردیف و سه رتبه از بالا به پایین به ترتیب ذیل تقسیم شده‌اند:

- ۱- لومری ساتنمن
- ۲- دوهم ساتنمن
- ۳- دریم ساتنمن

شرایط تقرر در صفوف نظامی و دفاعی کشور:

شخصی که به حیث افسر، بریدمل یا ساتنمن در صفوف نظامی و دفاعی تقرر یابد، باید دارای شرایط ذیل باشد:

- ۱- تنها تابعیت افغانستان را داشته باشد؛
- ۲- سن ۱۸ ساله‌گی را تکمیل کرده باشد و از ۳۰ سال بیش‌تر نداشته باشد؛
- ۳- از والدین افغان متولد شده باشد؛
- ۴- زن یا شوهر تبعه خارجی نداشته باشد؛
- ۵- عضویت احزاب سیاسی را نداشته باشد؛
- ۶- توانایی جسمی و سلامت روانی داشته باشد؛
- ۷- به جرم جنایت محکوم نشده باشد؛
- ۸- به مواد مخدر و مسکر معتاد نباشد.

۲- سوپر کمشر قدمدار، معاون سوپر کمشر قدمدار، سوپر کمشر، دریم ساتنمن، دوهم ساتنمن و لومری ساتنمن اکمال سه سال.

رتبه مارشالی

مارشالی بلندترین رتبه نظامی و بالاتر از سترجنرال است و همین دلیل است که تعداد رتبه مارشالی در کشور و حتا در جهان محدود است. درجه‌ی مارشالی در افغانستان تنها دو بار اعطا شده است. بار نخست در زمان اعلی‌حضرت محمدظاهر شاه، شاه‌ولی خان بدین درجه ترفیع یافت. برای دومین بار در زمان حکومت حامد کرزی، به جنرال فهیم اعطا شد. مارشال فهیم یکی از فرماندهان مقتدر و باصلابت جبهه‌ی مقاومت به رهبری احمدشاه مسعود بود. فهیم، پس از ترور قهرمان ملی، مسوولیت پیش‌برد نبرد را در جبهه‌های جنگ به دست گرفت. محمدقسیم فهیم، در زمان حکومت انتقالی، وزیر دفاع شد و در همان وقت، به سمت مارشالی رسید.

این‌که کدام افسر عالی‌رتبه یا سترجنرال به این درجه عالی نظامی نایل می‌گردد، قوانین افغانستان سکوت اختیار کرده است، اما براساس معیارهایی که سایر کشورهای جهان برای رتبه مارشالی در نظر گرفته‌اند، می‌توان گفت که مارشال باید دارای تحصیلات عالی نظامی بوده و هم‌چنان فاتح جنگ سرنوشت‌ساز برای یک سرزمین باشد.

در اکثر کشورها رتبه‌های عالی نظامی را به بسیار آسانی به افراد تفویض نمی‌کنند، اما در افغانستان مصلحت‌گرایی نسبت به شایسته‌سالاری ترجیح داده می‌شود. در اکثر موارد اعطای رتبه‌های عالی نظامی براساس ملحوظات سیاسی، قومی، زبانی و سمتی صورت می‌گیرد.

۲- ترفیع بریدمل و ساتنمن

مطابق ماده ۲۸ قانون افسران، بریدملان و ساتنمن، معیاد ترفیع برای بریدمل و ساتنمن قرار ذیل است:

- ۱- پر کمشر و معاون سوپر کمشر اکمال دو سال؛

در نبود آرد، توزیع نان در هرات متوقف شد



محمدحسین نیکخواه

با گذشت بیش از یک هفته از آغاز روند توزیع نان خشک به نیازمندان در هرات، این روند روز دوشنبه، بیست و دوم ثور، متوقف شد. شهرداری هرات می‌پذیرد که علت توقف توزیع نان، نبود آرد و پرداخت نشدن پول شرکت قراردادی توزیع آرد، از سوی حکومت است. مسوول شرکت توزیع آرد می‌گوید از ۱۰ روز به این سو، حکومت هیچ پولی به شرکت نپرداخته، در حالی که بر اساس تفاهمی که شده، پول باید به گونه‌ی پیش‌پرداخت، قبل از آغاز روند توزیع نان، داده می‌شد. اتحادیه‌های «نانوایان و علافان» هرات باور دارند، مشکلات اداری، سبب تأخیر در پرداخت پول و ایجاد سکنه‌گی در توزیع نان و توقف روند شده است. اداره محلی هرات می‌پذیرد که مشکلاتی در توزیع نان به نیازمندان وجود دارد و برخی شکایت‌ها در پیوند به آن مطرح شده است. هم‌زمان با این، مقام‌های محلی هرات، به مردم اطمینان می‌دهند، بهای آرد در بازار افزایش نخواهد یافت و حکومت برای کنترل بازار و پیش‌گیری از افزایش قیمت آرد، به گونه‌ی جدی اقدام می‌کند. فعالان مدنی و اعضای شورای مشورتی شهرداری هرات، از حکومت مرکزی و اداره محلی می‌خواهند، مشکل را به صورت فوری برطرف کند و در توزیع نان به نیازمندان، سهولت بیش‌تری فراهم سازد.

توقف توزیع نان به نیازمندان

توزیع نان خشک برای نیازمندان بر اساس دستور ریاست‌جمهوری، ۱۰ روز پیش در هرات آغاز شد. قرار بود برای بیش‌تر از ۶۰ هزار خانواده‌ی نیازمند، روزانه

۱۰ قرص نان توزیع شود، اما این روند روز دوشنبه، بیست و دوم ثور، متوقف شد. برخی وکیلان گذر ناحیه‌های شهرداری هرات، در صحبت با ۸ صبح می‌گویند روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه، بیستم، بیست و یکم و بیست و دوم ثور، آرد برای پخت نان در اختیار نانوایان قرار نگرفته است. سید عمر، عضو شورای مشورتی و وکیل گذر ناحیه هشتم شهرداری هرات، در گفت‌وگو با ۸ صبح از مشکلات موجود در توزیع نان شکایت دارد و از نرسیدن آرد به نانوایی‌ها سخن می‌زند. محمد اختر، رییس اتحادیه نانوایان هرات، در صحبت با ۸ صبح تأیید می‌کند که طی سه روز گذشته، به نانوایی‌ها آرد توزیع نشد و برخی نانوایان، از آردهایی که ذخیره داشتند، برای مردم نان توزیع کردند. به گفته‌ی او، به دلیل حجم نسبتاً زیاد توزیع نان، بیش‌تر نانوایی‌ها توان تأمین آرد و توزیع نان به نیازمندان را ندارند و به همین علت توزیع نان متوقف شده است. شهرداری هرات می‌پذیرد که به دلیل مشکلات تخنیکی و فراهم نشدن آرد، توزیع نان در برخی ناحیه‌ها روز دوشنبه متوقف شد، اما روز سه‌شنبه دوباره آغاز می‌شود. عبدالواحد واحدی، رییس اتحادیه علافان هرات، می‌گوید بر اساس تفاهم‌نامه‌ی صورت گرفته میان حکومت و بخش خصوصی، یک شرکت بازرگانی پس از طی مراحل تدارکاتی، مسوول توزیع آرد به نانوایان شد و حکومت باید پول خرید آرد را به آن می‌پرداخت، اما تاکنون هیچ پولی داده نشده است.

ندادن پول شرکت قراردادی آرد

حکومت افغانستان برای اجرای برنامه توزیع نان به نیازمندان ۶.۳ میلیارد افغانی بودجه اختصاص داد. از این میان، برای توزیع نان خشک در هرات، هر هفته،

۱۶۵ تن آرد به ارزش ۴۴ میلیون افغانی در اختیار نانوایی‌ها قرار می‌گیرد. ناصر ناصری، مسوول شرکت قراردادی توزیع آرد در هرات، در صحبت با ۸ صبح می‌گوید بر اساس تفاهمی میان حکومت و این شرکت شده، حکومت در هرات باید هر هفته به صورت پیش‌پرداخت، بیش‌تر از ۴۰ میلیون افغانی به آنان می‌پرداخت. به گفته‌ی او، باوجود پرداخت نشدن پول، به درخواست شفاهی والی هرات، او حاضر شد دو روز آرد نانوایان را تأمین کند و پس از آن پول از سوی حکومت پرداخت شود، اما با گذشت ۱۰ روز، تا کنون حتی یک افغانی دریافت نکرده است.

او می‌افزاید که یک‌هفته بدون دریافت پول، به نانوایی‌ها آرد توزیع کرده است و دو روز دیگر هم با ضمانت شرکت، نانوایان از آردهای ذخیره‌شان به مردم نان دادند، اما به دلیل پرداخت نشدن پول و نبود آرد، توزیع نان متوقف شد.

شهرداری هرات هم با نشر اعلامیه‌ای، از توقف توزیع نان در برخی ناحیه‌ها خبر می‌دهد. در بخشی از اعلامیه آمده است: «توزیع نان به دلیل مشکلات تخنیکی، بررسی مجدد بعضی مناطق و تأخیر تحویل‌دهی آرد به خبازان، در شماری از نانوایی‌های نواحی شهری امروز متوقف شده است، اما سر از فردا مجدداً روند توزیع نان به مستحقین در ۱۵ ناحیه‌ی شهر هرات آغاز می‌گردد.» مسوول شرکت قراردادی توزیع آرد می‌افزاید، یک محموله‌ی بزرگ آرد وارداتی از قزاقستان در گمرک است و طی روزهای آینده به هرات می‌رسد، تا مشکل تأمین آرد، در صورت پرداخت پول از سوی حکومت، برطرف شود.

حکومت مشکلات توزیع نان را حل کند

فعالان مدنی هرات می‌گویند، در توزیع نان به نیازمندان

در این ولایت، برخی مشکلات وجود دارد و حکومت باید تلاش بیش‌تری برای مدیریت این روند به خرج دهد. سیداشرف سادات، از فعالان مدنی هرات، به ۸ صبح می‌گوید شهرداری مکلف است، مشکلات موجود در توزیع نان را برطرف کند.

به گفته‌ی او، طی روزهای اخیر، مشکلاتی در سطح حکومت مرکزی، اداره محلی و ریاست شهرداری هرات، در قسمت توزیع نان به نیازمندان مشاهده شد و تاوأم آن، ممکن است توزیع نان را با چالشی بزرگ مواجه کند.

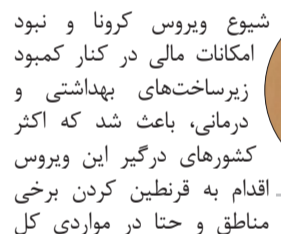
غلام‌حضرت مشفق، شهردار هرات، هفته‌ی گذشته در یک نشست خبری گفت، روند توزیع نان شفاف است و شهرداری از هرگونه سودجویی در آن جلوگیری می‌کند. شهرداری هرات، از برکناری یک وکیل گذر، به اتهام سودجویی در روند توزیع نان خبر می‌دهد.

سیدوحید قتالی، والی هرات، می‌پذیرد که مشکلاتی در روند توزیع نان و فراهم‌سازی آرد مورد نیاز نانوایان در این ولایت وجود دارد. به گفته‌ی او، تلاش می‌شود یک محموله‌ی بزرگ آرد از قزاقستان، برای توزیع به نانوایی‌ها وارد کشور شود.

والی هرات می‌افزاید، حکومت تلاش دارد تا نان خوش‌کیفیت در اختیار نیازمندان قرار بگیرد و روند توزیع نان، به گونه‌ی مداوم از سوی بخش‌های گوناگون نظارت می‌شود. این مقام محلی، هم‌چنان از تلاش حکومت برای افزایش شمار دریافت‌کننده‌گان نان در هرات سخن می‌زند.

توزیع نان گرم برای خانواده‌های نیازمند که در پی همه‌گیری کرونا در کشور آسیب دیده‌اند، به دستور رییس‌جمهور در برخی ولایت‌ها آغاز شد و قرار است در تمام ولایت‌ها اجرایی شود، اما در برخی موارد شکایت‌هایی از نبود شفافیت در توزیع نان و تجمع نیازمندان در نانوایی‌ها مطرح شده است.

دشواری‌های قرنطین در افغانستان



محمدامیر امینی

شیوع ویروس کرونا و نبود امکانات مالی در کنار کمبود زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی، باعث شد که اکثر کشورهای درگیر این ویروس اقدام به قرنطین کردن برخی مناطق و حتا در مواردی کل کشور کنند. قرنطین در همه‌ی کشورها مشکل‌آفرین بوده، ولی در افغانستان، با وجود ضرورت اشد به رعایت آن از سوی تمام هم‌میهنان، می‌تواند فاجعه‌بار شد. از آغاز قرنطین عمومی در کابل که چندی پیش اعلام شد، مردم همه خانه‌نشین شدند. پس از اعلام قرنطین عمومی برای مقابله با ویروس کرونا، خیابان‌های پر جنب‌وجوش کابل خالی شد، رفت‌وآمد در بازارها، مغازه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، کلب‌های ورزشی، مساجد، تفریح‌گاه‌ها و ساده‌تر بگویم تمام امکان عمومی منع شد. اما باید اظهار کنم که قرنطین در افغانستان نسبت به کشورهای دیگر پی‌آمدهای بدی با خود دارد؛ چون افغانستان یکی از فقیرترین و جنگ‌زده‌ترین کشورها در جهان به شمار می‌رود. قرنطین، با وجود حتمی بودن رعایت بلاقیدوشرط آن، پی‌آمدهای غم‌انگیز به ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه دارد. افغانستان کشوری است مصرف‌کننده که تولیدات داخلی کافی ندارد، رشد اقتصادی آن سه درصد، نرخ بیکاری‌اش بالای ۴۰ درصد و فقر بالای ۵۰ درصد است و از همه بدتر این‌که افغانستان فعلاً با یک بحران سیاسی دست و پنجه نرم می‌کند. در چنین شرایطی، قرنطین فرصت‌های کاری افراد را که بر بنیاد درآمدهای روزانه‌شان امرار حیات می‌کنند، محدود و یا ناممکن می‌سازد و در نتیجه بر حجم مشکلات‌شان فزونی در ناک پدید می‌آورد. دولت افغانستان هم آن‌چنان قدرت اقتصادی را ندارد که این درز بزرگ را پیوند کند.

به طور خلاصه می‌خواهم به چند تأثیر منفی قرنطین اشاره کنم:

۱. اثرات ناگوار ویروس کرونا بر افراد فقیر جامعه: ویروس کرونا نه تنها برای فقرا کشنده‌تر، بلکه عامل تشدید فقر آنان نیز است. این بیماری همه‌گیر سبب می‌شود که بیش‌تر فقرا روزهای کاری‌شان را از دست بدهند و این موضوع، فقر آن‌ها را شدیدتر می‌کند. در نهایت از آن‌جایی که اقشار کم‌درآمد نیاز به مواد خوراکی و درمان دارند، در وضعیت مالی بدتری قرار می‌گیرند.

بیش از نیم نفوس کشور ما زیر خط فقر به سر می‌برند؛ این‌ها کسانی‌اند که در روز کم‌تر از یک دالر امریکایی درآمد دارند. این طبقه فقیر کشور برای به دست آوردن لقمه نانی هر روز به بازار کار می‌روند و هر نوع کار شاقه را انجام می‌دهند تا شکم خود و اطفال‌شان را سیر نگه‌دارند. قرنطین یا همان در خانه ماندن بیش‌تر از ویروس کرونا برای آن‌ها دشواری‌آفرین است. بیش‌تر آن‌ها در رسانه‌ها می‌گویند که از بین رفتن توسط ویروس کرونا، بهتر از این است که همراه اولاد خود با شکم گرسنه در خانه بمانند.

۲. پی‌آمدهای قرنطین برای سیاست کشور:

ویروس کرونا (کووید-۱۹) به مثابه یک مرض صحتی است، ولی پی‌آمدهای آن در همه ابعاد جامعه محسوس است. این مرض فراگیر روال زنده‌گی و فعالیت‌های روتین خانواده‌ها، نهادهای آموزشی، تصدی‌های اقتصادی، موسسات دولتی، بنگاه‌های نرشاتی، مساجد و معابد را به نوعی آسیب رسانده است. در کشورهایی که دارای سیستم سیاسی و حکومت‌داری ثابت و پایدار هستند، از امکانات جامعه به طور درست برای مقابله با این مرض فراگیر استفاده می‌گردد. در افغانستان توأم با محدود بودن امکانات، چنددسته‌گی‌های سیاسی، امکانات اندک موجود برای مقابله با این مرض فراگیر را محدود می‌سازد. شاید این در نگاه اول غیراخلاقی به نظر رسد، ولی امکان

انسانی می‌طلبید. همه باید در پایین نگه داشتن قیمت‌ها تلاش کنیم. مصرف‌کننده‌گان می‌توانند با جلوگیری از خریداری برای ذخیره چندماهه، فشار کمبود کالاهای مصرفی را کم‌تر سازند. عمده‌فروشان و خرده‌فروشان هم باید از قیمت‌های احتکاری دست بر دارند. همه به فکر هم‌دیگر باشیم و با هم‌دیگر می‌توانیم بر این ویروس غلبه حاصل کنیم.

۴. معارف و تحصیلات عالی:

با شیوع ویروس کرونا در افغانستان تمام مکاتب و دانشگاه‌های کشور به روی دانش‌آموزان بسته شد. چون حضور فیزیکی دانش‌آموزان و دانشجویان در مراکز تعلیمی و تحصیلی خطرزا است، اولیای امور اقدام به استفاده از بدیل آموزش حضوری کرده‌اند. وزارت تحصیلات عالی کشور طرح آموزش آنلاین را به ریاست جمهوری ارایه کرده و خواستار بودجه کافی برای اجرای این طرح شده است. وزارت مذکور با آگاهی از بلند بودن نرخ انترنت در افغانستان، تقاضای کاهش قیمت آن را نیز کرده است. کشورهایی که از تسهیلات خوب انترنت برخوردار اند، آموزش آنلاین می‌تواند بدیل خوبی برای آن‌ها باشد، ولی نه در افغانستان؛ چون قیمت بلند و کیفیت پایین انترنت در کشور همواره یکی از موضوعات جدی و مورد بحث بوده است. سال‌ها است که شهروندان کشور از کیفیت و نرخ انترنت شاکی‌اند. نرخ انترنت در افغانستان نسبت به کشورهای همسایه و منطقه دست‌کم ده برابر بلند است. گذشته از آن، خدمات مخابراتی هم فراگیر نیست. چون قرنطین، بهترین گزینه‌ی دولتی برای مدیریت این ویروس شناخته شده است تا فاصله فیزیکی میان شهروندان را افزایش داده و سیر گسترش ویروس را آهسته کنند، از دولت افغانستان به حیث شهروند کشور تقاضا می‌کنم تا در راستای کمک به خانواده‌های فقیر کشور جدی عمل کرده و آن‌ها را یاری کند.



روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسول: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
معاون مدیرمسول: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com
خبرنگاران: خلیل اسیر، سیدحسن حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، حبیب بهش، عبدالاحمد حسینی و علی شاه حقمیل
ویراستار: علی نظری، س.ن.ونین

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

مستر دیت کارت

مستر دیت کارت همراه با خدمات گسترده، متناسب با نیازها و شرایط مالی شما میباشد. کارت متکرر به سادگی با حساب مشتری عزیز بانک ارتباط دارد تا مشتری به پول خود در هر نقطه دنیا دسترسی داشته باشد.

- در بیشتر از 26 میلیون فروشگاه های سراسر جهان قابل پذیرش بوده و همچنان در کارت متکرر در فروشگاه های تجاری انتخاب شده، تخفیف مناسب در نظر گرفته میشود.
- پذیرش در ماشین های خود پرداز صرافی برای برداشت سریع پول نقد در افغانستان و کشور های خارجی، برداشت مجانی پول نقد از همه ماشین های خود پرداز صرافی عزیز بانک

www.azizbank.af 1515

داعیه مشترک نسل نو افغانستان چیست؟



مردم حسین فرامرز
نویسنده و پژوهشگر
husainfaramarz@gmail.com

که از این داعیه مشترک نسل جوان بر موقعیت و موقف سیاسی شان در جامعه و بر منفعت های شان احساس خطر می کردند. با روی کار آمدن امان الله خان جوان، که خود متأثر از این نهضت بود، امید تازه ای برای راهیان این داعیه برحق پیدا شد اما فکر این که مباد از قدرت شاهانه او کاسته شود، در جهت تحقق این داعیه از دل کار نکرد و ناتمام ماند.

بعد از این که نادر خان به قدرت رسید، جوانان تحت سخت ترین شرایط اجتماعی و سیاسی برای داعیه مشترک شان که همانا مشروطه خواهی از نوع دموکراتیکش بود، رزمیدند. در این داعیه جدید، نسل جوان کشور خواهان برقراری نظام مشروطه، آزادی های مدنی (حق اعتراض و اعتصاب، آزادی مطبوعات، آزادی بیان)، حق تشکیل جریان های مدنی و سیاسی بودند. پس از مبارزات نفس گیر جوانان، داعیه برحق شان کم کم زمینی عملی شدن به خود گرفت و در سال ۱۳۴۳ خورشیدی، حکومت دهی دموکراسی را آغاز کرد و این گونه جوانان این نسل، تا جایی به خواسته های شان دست یافتند.

البته با برقراری دهی دموکراسی در کشور و جو حاکم بر فضای سیاسی جهان (تقابل لیبرال دموکراسی و کمونیسم) جوانان داعیه جدیدی را در پیش گرفتند و آن چیزی نبود جز برقراری عدالت اجتماعی با الگو برداری از نظام سیاسی جدید در جهان که هواداران این داعیه به چند گروه تقسیم شدند.

نظام سیاسی حاکم آن زمان، در ظاهر سلطنت مشروطه، در شکل و محتوا یک نظام سیاسی از نوع لیبرالیسم اسلامی بود که گروه های هم فکر با این نظام، طرفداران نظام لیبرالیستی بودند. داوود خان با تغییر رژیم به نوع جمهوری آن را تبارز داد. گروه های دومی که طرفداران کمونیسم بودند به چندین شاخه تقسیم می شدند از

زمانی که برگ های تاریخ کشور را برای پیدا کردن رد پای نسل های پیش از خودمان زیر و رو می کنیم، به چیزهای خوش آیند و ناخوش آیندی در این مورد دست پیدا می کنیم. یکی از این موارد هم می تواند داشتن یک داعیه مشترک در هر نسلی از نسل های کشورمان باشد. در نگاهی گذرا به این که نسل های پیش از ما چی داعیه هایی در سر داشتند و به چی نتایجی دست یافته اند و داعیه نسل نو کشور ما در قرن بیست و یکم چی است یا چی خواهد بود، مجبوریم تا تاریخچه کوتاه آن را مرور کنیم که به این امر مهم دست پیدا کنیم تا پاسخی باشد به پرسش های اذهان جست و جوگر نسل نو این کشور.

اگر ما نقش جوانان کشور را در دوران تاریخ معاصر افغانستان به بررسی بگیریم به این نتیجه می رسیم که جوانان تا زمان حکومت امیر حبیب الله خان سراج الملک، در رویدادها و تغییرات اساسی در نظام و قدرت سیاسی افغانستان نقش چندانی نداشته اند. زیرا نفس نظام های سیاسی مطلقه شاهي از نوع استبدادی آن، هیچ گاهی به ملت و شهروندان نقشی در سرنوشت جامعه قابل نیستند، به جز اطاعت و فرمان برداری از حکومت و پادشاه که سایه خدا خوانده می شود.

بعد از روی کار آمدن امیر حبیب الله خان، راه برای مطبوعات و رسانه های چاپی در افغانستان باز شد و جوانان افغانستان که از هم نسلان امان الله خان بودند، از جنبش های مشروطه خواهی و تغییر نظام سیاسی جوانان کشورهای هند، ترکیه و ایران متأثر شده بودند. این جا بود که برای بار نخست در تاریخ سیاسی کشور یک نسل یک صدا و یک دست از طبقات پایین جامعه، متوسط و بالایی همه به یک داعیه مشترک (مشروطه خواهی) دست یافتند و برای این داعیه برحق و مشترک شان مبارزه نمودند اما هم مانند امروز در همان زمان، بودند کسانی

جمله طرفداران خط مسکو (احزاب خلق و پرچم) طرفداران کمونیسم خط مائو (شعله های) طرفداران خط کمونیسم انور خواجه. و گروه سومی که در اعتراض به شکل گیری هر دو گروه بالایی شکل گرفت، جوانان مسلمان بودند که هر دو نوع نظام سیاسی را از نظر اسلام مردود می دانستند.

آن چه در بالا گفته آمدیم مروری بود بر عمل کرد جوانان کشور در قرن بیستم و داعیه های مشترک شان که برای تحقق آن تا پای جان تلاش کردند. این که چقدر این داعیه ها برحق بوده و چقدر نسل های پیش از ما در تحقق داعیه های شان پیروز شدند و یا نشدند، می گذاریم که تاریخ در حق شان منصفانه قضاوت کند. اما هدف اصلی این نوشته بر آن است تا بدانیم که داعیه مشترک جوانان نسل قرن بیست و یکم کشور چی خواهد بود؟ ما چی داعیه داریم یا داشته باشیم؟

۲۰ سال از قرن بیست و یکم را سپری کردیم و در این مدت جوانان برومندی از نسل جدید کشور هم چون نهالان قد برافراشته می جنگلی که پس از سوختن در یک آتش بزرگ جوانه می زند، قامت راست کرده اند. اما هنوز درختان نیم سوخته و زخمی این جنگل آتش گرفته، قامت های شان در این میان برافراشته تر از آن است که نهالان تازه رشد کرده را در پهنای خودش پنهان کرده اند و در سایه تاریک خود نگهداشته اند و فرصت حضور پر شکوه این درختان کوچک اما بزرگ را گرفته اند.

در قرن بیست و یکم هنوز هم مهره های سوخته قرن بیستم که ناکامی های شان شهره دوران است، قدرت سیاسی را با حربه ای این که (جوانان آینده کشور اند) از نسل نو گرفته اند و مجال حضور پر قدرت این نسل را در صحنه سیاسی کشور با خدعه و نیرنگ سد کرده اند. ناکامی های

نسل پیش از ما در هر دو برهه ی زمانی مابوس کننده است و نسل نو کشور را وامی دارد تا به سوی تصاحب قدرت سیاسی از این جمع همیشه ناکام گام بردارند.

این جا است که هم مانند نسل های پیش از خود، باید داعیه مشترک جدید در بین نسل نو شکل بگیرد و برای آن مبارزه کنند و در این شرایط یگانه داعیه ای که نیاز است برای آن رزمید، انتقال قدرت سیاسی به نسل نو است. نسل نو افغانستان به مراتب با دانش تر، آگاه تر، تحصیل کرده و جهان دیده تر، پاک و با صداقت تر از نسل گذشته است. نظر به تجربه تاریخی کشورهای دیگر در جهان، نسل جوان کشور می تواند بار مسولیت سیاسی کشور را خیلی خوب تر از سیاسیون حاضر در صحنه بدوش بگیرد.

بعد از شکل گیری دولت موقت تا کنون در سرتاسر کشور به هزاران نهاد سیاسی، فرهنگی و مدنی در قالب های خرد و بزرگ شکل گرفته و همه ای این نهادها از سوی جامعه جهانی حمایت می شوند تا هر چه بیش تر و بهتر رشد کنند. نسل جدید کشور در رهبری این نهادها در پی رسیدن به قدرت سیاسی کشور اند. اما همه با شیوه های گوناگون و به شکل پراکنده که تجربه گذشته ای آن را ناکام ثابت کرده است.

پس نیاز است تا تمامی نیروهای جوان کشور در یک انسجام یگانه با داعیه (انتقال قدرت سیاسی به نسل جوان) کشور، وارد مبارزه مدنی و سیاسی شوند و این داعیه برحق باید به یک داعیه مشترک برای تمامی جوانان کشور بدل شود. البته قابل یادآوری است که جامعه جهانی و کشورهای کمک کننده به افغانستان نیز از این موضوع حمایت می کنند.

تا زمانی که نسل جدید کشور این داعیه ای خود را مشترک نسازد و با شعار واحد وارد میدان مبارزه سیاسی نشود، بعید می دانیم که این نسل به این داعیه خود دست یابد.

قباحت از دشنام؛ جایگاه بهداشت کلام در افغانستان



شامت مصمیم احمدزی، نویسنده و روزنامه نگار

پیدا است که دامنه این خلا و میزان قباحت آن از طبقه های تا طبقه های دیگر متفاوت می باشد.

برای بسیاری از ما، قابل توجه نیست که ویدیوهای افرادی را می بینیم که در رسانه های اجتماعی یکی بر دیگری فحش و ناسزا می گویند و این جنگ واژه ها در برخی مواقع از سوی شماری حنا جنبه قومی و سمتی به خود می گیرد.

وسعت فحاشی لفظی، تنها دامن گیر افراد عادی جامعه نمی شود و شوربختانه برخی از چهره های سیاسی نیز در تقویه آن سنگ تمام گذاشته اند.

بسیاری از ما شاهد فحاشی لفظی سیاسیون در محافل و حتی کارزارهای انتخاباتی بوده ایم. در میزگرد های رسانه ها نیز بارها اتفاق افتاده که شماری از مهمانان در برنامه از هیچ ناسزاگویی و دشنام به مخالفان سیاسی شان دریغ نمی کنند. «قاق روده» یکی از جافتاده ترین و برجسته ترین مثال هایی است که می توان آن را برای درک این موضوع به عنوان یک نمونه مطرح کرد که در کارزارهای انتخاباتی سال ۲۰۱۴ از سوی آقای محقق به جانب محمد اشرف غنی حواله شد.

از دید جامعه شناسان متوسل شدن به دشنام واکنشی است که تحت تاثیر عواطف، خشم و هیجان اتفاق می افتد. هم چنان پناه بردن به فحش و ناسزاگویی ناشی از جهل و سرخورده گی نیز است و استفاده از دشنام من حیث یک حربه واکنشی، نمایان گر کم ظرفیتی اخلاقی دشنام دهنده است.

دشنام و فحش دادن نه تنها برخلاف ارزش های اخلاقی جامعه قرار دارد، بلکه از دید قانون جزای کشور نیز در صورت مراجعه به نهادهای عدلی و قضایی، مصداقی از

یکی از دست آورد های انسان که او را از سایر موجودات متمایز می کند، فرهنگ است. فرهنگ هر جامعه ای را باید به مثابه مجوز رفتار و کردار اعضای آن جامعه دانست و از جانب دیگر فرهنگ برای ما چراغ های سرخ و سبز را نشان می دهد که در چه زمانی و چگونه باید واکنش نشان دهیم، حرکت کنیم و یا در کجا باید متوقف شویم. جنگ های چهار دهه اخیر، بیشترین آسیب را متوجه فرهنگ افغانستان کرده است. کج روی های فرهنگی در افغانستان به اندازه ای زیاد شده است که امروز پی آمدهای تلخ جنگ را محسوس تر ساخته است.

جنگ نه تنها از لحاظ مادی بر پیکر این سرزمین صدمه جبران ناپذیری وارد کرده و سالیان دراز ما را به عقب رانده است، بلکه تار و پود اخلاقی مان را نیز به یغما برده است.

یکی از مسایلی که از دید بسیاری از اندیش مندان غایب مانده است، همانا بهداشت کلام و یا ناسزاگویی ها است. ما به وفرت شاهد جنگ نرم در دنیای عینی و شبکه های اجتماعی در افغانستان هستیم.

فحاشی لفظی و دشنام، یکی از برجسته ترین انواع از خلاهای اخلاقی است و به همان پیمان که این ناهنجاری در جامعه افغانستان در حال گسترش است، به همان پیمان که نیز از قباحتش کاسته می شود و ناگفته

جرم پنداشته می شود.

چندی پیش آقای امرالله صالح در تارنمای فیس بوکش متنی را به اشتراک گذاشت و در آن از معرفی افرادی خبر داد که اقدام به ناسزاگویی به آدرس او می کنند.

در تازه ترین مورد در روز پنجشنبه هفته گذشته، معاون سخنگوی وزارت امور داخله کشور ویدیویی که توسط سربازان کشور از ولسوالی نادعلی هلمند برداشته شده را در صفحه فیس بوکش به اشتراک گذاشت. در این ویدیو ادعا می شود که یکی از سرک های نادعلی از سوی طالبان و در نتیجه عملیات «الفتح» تخریب و به صورت کامل از بین برده شده است.

این ویدیو هر چند قباحت عمل مخالفان مسلح کشور را به وضوح نشان می دهد و نه تنها این سرک بل صدها کیلومتر سرک پخته دیگر نیز از دست این گروه به عین شکل درآمده که در زشتی و محکوم کردن این عمل مخالفان جای بحث وجود ندارد، اما در این ویدیو سربازی که سخن می زند، فحش های زیادی را نثار طالبان و عملیات زیر نام «الفتح» شان می کند. پخش این ویدیو از سوی معاون سخنگوی وزارت داخله در صفحه فیس بوکش بدون سانسور دشنام های گفته شده، به خوبی نشان می دهد که قباحت ناسزاگویی لفظی از سوی برخی از مقام ها در حکومت نیز دست کم گرفته شده است.

باید خاطر نشان کرد که نشان دادن جرایم طالبان و پرداختن به تبلیغ در برابر این گروه یکی از عمده ترین فعالیت های سخنگویان نهادهای امنیتی است، اما در کنار آن، سخنگویان حکومتی مسوولیت بزرگ تری نیز دارند که همانا اشاعه اخلاق در رفتار و گفتار در جامعه

می باشد.

سرباز وطن باید سمبول نمایش اخلاق و مجری قانون باشد و نباید آگاهانه و یا ناآگاهانه از آدرس سخنگویان نهادهای امنیتی بر جبین این سربازان تاپه زشت زده شود. شاید حتا سربازی که ویدیو را ضبط کرده است به این فکر نمی کرد که این ویدیو و دشنام گفتنش سر از درچه فیس بوک معاون سخنگوی وزارت داخله بیرون کشد!

کار سخنگویان، تنها اطلاع رسانی نیست. باید بدانند که از یک کتله بزرگ نماینده گی می کنند و باید با مسوولیت وارد میدان اطلاع رسانی شوند.

از لحاظ قانون جزای کشور که وزارت داخله مجری آن است «شخصی که دیگری را با استفاده از تلفن یا ایمیل یا فکس یا وسایل الکترونیکی یا ارسال مکتوب و یا توسط شخص دیگری توهین یا دشنام دهد، به جزای نقدی از پنج هزار تا بیست هزار افغانی، محکوم می گردد».

در پایان باید گفت که عزیزان ما که در جبهه اطلاع رسانی دست و پنجه نرم می کنند، باید متوجه قباحت موضوع باشند و بدانند که اطلاع رسانی تنها وظیفه شان نبوده، بل برداشتن نقاب زشتی ها از چهره نیروهای امنیتی و معرفی این نیروها به گونه ای که باید، نیز جزوی از مسوولیت های شان است و نباید در امر اطلاع رسانی جنبه های اخلاقی و قانونی را نادیده انگارند.

در نتیجه باید این نکته را نیز یادآور شد که همه ای ما از کوچه و بازار گرفته تا نهادهای آکادمیک و محافل سیاسی و رسانه های اجتماعی مسوولیت داریم تا بهداشت کلام را به عنوان یک امر اخلاقی رعایت کنیم.